

# باکیها حکومت وحدت ملی ساختند؟؟؟

بخوانید ، بی اندیشید ، تجربه بگرید و جهاد گران را بشناسید .  
هنوزگفتنی ومستندات جهاد گران را روی بعضی نزاکتها درمقابل دید ها قرار نداده ام .

فضا تنگ ست اوج بال ها بعد  
شبی خاموش وقیل وقال ها بعد  
سنداها دارم از چور و چپاول  
قرارما بماتد سال ها بعد.

## قسمت دوم



استاد صباح



شریکیم

برارو دوست و دشمن مو شریکه  
 که خاک و آب و میهن مو شریکه  
 همه گل‌های یک باغ و دیا ریم  
 که هست و بود مردن مو شریکه  
 اگر پشتون و تاجک یا هزاره  
 اگر ایماق و ازبیک نام داره  
 بلوچ و پشه یی اقوام دیگر  
 در ی کشور همگی یک شریکه  
 ده بین کوه شمشادو سلیمان  
 میان دشت بکوا تا بد خشان  
 بهر نام به هر رنگ که باشیم  
 همی مویاد مو شیم ملت افغان...

## چرا جهاد کردند و دست و آورد جهاد چی بود ؟



چرا وقتی که راه زندگی همواری گردد ؟  
 بشر تغییر حالت می دهد خون خواری گردد  
 به عیش و مستی می نوازد طبل بی دینی  
 به وقت تنگ دستی زاهدودین دار میگردد.

محترم اشرف غنی ، مجاهد به خاطر چوکی و پیسه و نوکری بیگانه جهاد کرد به دین اسلام چی خدمت کردند غریب و بیچاره ره کشتن مهاجر کردند بی پدر بی مادر یتیم بیوه و مهاجر کردند همی جهاد است ؟ امریکایی انگلیس و جرمن روس چینایی و عرب پاکستانی و اروپایی و چهل ممالک را در وطن آوردن همین جهاد است ؟ همراى روس پروتوکول کردند ، با امریکا پیمان بستند، در عربستان قرآن خوردند ، به پنجابی هامزدوری نمودند و فرهنگ ایرانی را وسعت دادند دو باره در شانته خود کلاشینکوف روسی را انداختن مردم بیگناه خود را به قتل رساندند ، ای جهاد است ؟ در خانه های مردم راکت فیر کردن جهاد است؟ دالر امریکایی ره در جیب انداختن جهاد است؟  
 اولاد خودش در غرب تحصیل و عیاشی می کند اولاد غریب پشت یک لقمه نان خشک سرگردان است وزیر توپ و راکت جان میدهند همین جهاد است ؟ زمین دولتی را غصب کردن رشوت خوردند ، زور گویی کردند ، راه گرفتند ، موتر شیشه سیاه و تعقیبی دارند همین جهاد است ؟ بچه و چریک دارند آیا این جهاد است ؟ پایه برق ، پل ، سرک ، فابریکه را خراب کردند جهاد است؟ سیم های برق را از دیوار کشیدند، جهاد است دستک خانه های ویران مردم را فروختن جهاد ، به تماشایی رقص مرده نشستند، جهاد است ، به سر انسانها میخ کوبیدند ، جهاد است؟ سینه های زن ها را بریدند جهاد است ، بیناموس در حق ملت رو داشتند ، جهاد است ؟ فروختن زن و دختر افغانها به اعراب در کمپ های پاکستان ، جهاد است، جنگ لسانی ، تنظیمی ، قومی و سمتی را به راه انداختند جهاد است؟ مسجد و خانه های مردم را همراى قرآن و

آدم ها ویران کردند و زنده سوختاندن جهاد است؟

میگویند به مجاهد توهین نکو اگر مجاهد نمیبود وطن اشغال می شد، پس اکنون وطن چیست؟؟؟ ، مجاهد تو اولاد این وطن را کشتی و اولاد خود را در غرب روان کردی، این بود جهاد در راه خدا؟؟؟ دارایی و سرمایه ملی را چپاول نمودی و شیرپوری خود قصراعمار کردی آیا این جهاد توبود؟؟؟.

مجاهدین که ادعا جنگ با روس را دارند، قهرمان ملی را غرض تداوی و غسل جنازه اش که توسط عرب، باصداي الله اکبر کشته شد ، نزد روسها به تاجیکستان نبردید؟؟؟ . جهاد گران کشور ما لکه بد نامی به دامن بشریت و انسانیت اند، مجاهد واقعی و غیر واقعی وجود ندارد ، یک مشت رهن وطن فروش خاین به نام خدا و جهاد و اسلام سلاح گرفته اند و مصروف چور و چپاول و غارت دارایی های مردم و ملت است.

رویدادهای متواتر همدیگر کشتی چنان بر تاریخ این افتخار سایه سیاه افگند که امروز در ذهن نسل جدید هزار تردید برای افتخار کردن وجود دارد. برخی انتقاد کرده اند که چرا هشتم ثور را تجلیل کرده و جشن می گیرند؟ جواب این پرسش بسیار روشن است زیرا:

- با پیروزی مجاهدین ، تمام زیرساختها و شهرهای کشور که فرسوده و کهنه شده بودند، از پای سنگ ویران گردید تا دوباره با معیار و استاندارد روز ساخته شود.

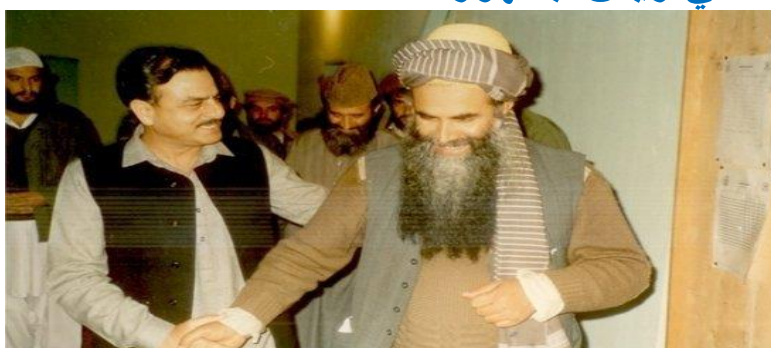
- با پیروزی تفنگداران ، اردوی ملی کشور کاملاً از هم پاشیده شد و بیش از چهارصد طیاره جنگی، بیش از چهار هزار تانک جنگی، راکت های دور برد و انواع و اقسام سلاح های خفیه و ثقیله نابود و به حساب آهن کهنه به کشور دوست و همسایه ما پاکستان فروخته شد تا دوباره اردوی ملی جدید با تجهیزات جدید و مطابق استاندارد روز تاسیس شود.

- با پیروزی جنگجویان ، صدها هزار نفر کشته شدند تا جمعیت کشور تقلیل یابد و جمعیت باقی مانده بتواند از زندگی مرفه تر و بهتر برخوردار شوند، اگر جمعیت کشور را تقلیل نمی دادند، احتمالاً همه مردم از فقر و گرسنگی تلف می شدند.

- با پیروزی جنگسالاران ، میلیون ها نفر از شهروندان از کشور مهاجر و فراری شدند تا هم کمبودی نیرو و قوه کار کشورهای همسایه را فراهم کنند و هم از تراکم جمعیت شهرهای کشور کاسته شود و قیمت خانه و زمین ارزان شود و شهروندان باقیمانده با مشکل مواجه نشوند.

- سران (به اصطلاح) جهادی، باید هشت ثور را جشن بگیرند، زیرا رهبران، فرماندهان و قوماندان های (به اصطلاح) جهادی که هنگام ورود به شهر مثله شده کابل فقط یک تفنگ و چاقو داشتند، اکنون همه شان دارای قصرهای مجلل، شهرک های رهائشی، شرکت های تجارتي، ماشین های زردار و قدرت و اقتدار و صف ناپذیر شده اند، آیا باز هم اعتراض دارید که چرا هشتم ثور را جشن می گیرند و می گیریم؟

## تومیدانی آقای غنی ریس جمهور؟؟؟



رسول سیاف میگوید: کسانی که غیرمجاهد را با مجاهد مساوی می دانند به حکم خدا از دایره اسلام خارج هستند. بر کسانی که می گویند جهاد معیار نیست باید در ایمان خود تجدید نظر کند. ما وارثان این ملک هستیم. دیروز این ملک را آزاد و در برابر تروریسم از آن دفاع کردیم و امروز نیز مردانه وار در میدان ایستاده ایم و از آن حراست می کنیم. در سیزده سال گذشته مردانه و اراز حکومت کرزی حمایت کردیم ( باینچاه کشور خارجی) دور شدن از صحنه سیاست به مجاهدان آسیب نمی رساند بلکه به امنیت و ثبات کشور آسیب می رساند.

سیاف؛ مسأله صلح و جنگ و مسأله تغییر در روابط با کشور های همسایه را بدون مشوره با ملت حرام خواند. ایشان فراموش کرده است که این گونه سخن وری ها زمانی در کمپ « ببو «یا» شمشتو «چلش داشت و سپس با فتح کابل همه چیز با جهنم کامل برای مردم ضرب خورد . اگر بیانیته های ملا عمر در زیر ریش شما نوشته میشود؛ حتماً در آن شریک هستید که تا حال خموشی پیشه کرده اید. پاکستان، کشوری که دیروز جهاد را مدیریت میکرد، امروز طالب و ملا عمر

رامدیریت میکند. فردا ممکن اوضاعی پیش آید که بازهم خیمه بی تیرک جهادی ها را به بهانه دیگری بر افرازد. سیاف جرئت رهبری دسته جات بی سرنوشت مجاهدین را ندارد. او هشیار تر از دیگران است. وی همیشه نیاز دارد در پناه یک قدرتمندی دیگر، با صدای بلند صحبت کند. اما چنین آدمی قدرتمند دیگر وجود ندارد. سیاف اگرچه هنوز ریزرف عرب و امریکا به شمار میرود. سیاف و یاران جهادی اش از آدرس پارلمان نان می خورند و مرگ بر دموکراسی می گویند و در زیر سقفی که کمونیزم ساخته، مرگ بر کمونیزم می گویند! نمی دانم چشم بینا و گوش شنوای سیاسیون مدعی جهاد چگونه است که در چهار طرف خود هیچ چیزی را نمی بینند و هیچ چیزی را هم نمی شنوند.

در طول تاریخ افغانستان تا به این اندازه، بالای زنان، کودکان دختر و پسر و حتی زنان باردار تجاوز حشری نشده است که از دست اهالی جهاد یا تحت الحمایه های شان شده است. قیادی ها یک بار به خیابان های کابل پیاده گردش کنند که لشکر های ژولیده مو و جنده لباس و خلاق گرسنه و درهم شکسته، از کودک وزن و پیره مرد ها بازمانده های چه کسانی هستند؟ آیا بر چشم های ما پرده افتاده است یا قلوب قیادی ها مهر شده است؟ سیاف این بار شمشیر تکفیر، دو باره تیز کرد و گفت هر کسی مجاهد و غیرمجاهد را مساوی بداند؛ از دایره اسلام خارج است. وی شمشیر کهنه را به شکل دیگری چرخانید: اگر جهاد معیار نیست؛ جاسوسی و وطن فروشی معیار است؟! می گویند، تعهد معیار است، مگر کسی که برای آزادی تو درس و تعلیم را ایلا کرد و جهاد کرد، متعهد نیست؟! سیاف نگفت که کدام آزادی؟

## آقای غنی ریس اداره سهامی وحدت ملی



پس از احمد شاه مسعود، همه کاسه هاوهم جهادی هایش دوست وفاداری برای وی نشدند و تا توانستند از نام مسعود سوء استفاده نمودند. زراندوزی، زورگویی، غصب اموال بیت المال و مردم، تجاوز و ده ها مورد منفی دیگر، از جمله پیامدهایی است که پس از رفتن مسعود، همراهان، دوستان و شاگردانش به یادگار در اذهان عامه بجا گذاشته اند.

چندی قبل عطا محمد چور والی بلخ و امیرحوزه جنوبغرب تورن اسماعیل مذاکراتی بین اعضای جمعیت و شخصیت های مستقل و ملی در کابل برآه انداخته شد. این مذاکرات به مدت یک هفته ادامه یافت که درخاتمه در نتیجه مطلوبی دست یافتند. در روز دوم مذاکرات والی بلخ به همراهی اسماعیل و صلاح الدین ربانی به ملاقات پنجشیری ها رفته و طور واضح و روشن خاطرنشان ساختند که دیگر وقت معامله گذشته و باید بالای یک استراتژی واحد توافق کرد. در غیر آن با واکنش جدی ملت بزرگ تاجیک و بخصوص جمعیت اسلامی مواجه خواهند شد.

در روز سوم مذاکرات که در منزل صلاح الدین ربانی برگزار گردیده بود اتفاق ناخوشایندی افتاد. زیرا اسماعیل و تعدادی از مجاهدین و شخصیت های ملی از عملکردهای دوازده سال اخیر سران جمعیت اسلامی بخصوص پنجشیر ها ناراض بودند و چنین استدلال می کردند که پنجشیرها در وقت تقسیم قدرت به جز خود، فامیل خود، ولسوالی و ولایت خود دیگران را نمی بینند و همه قدرت را به قبضه خود گرفته دیگران را فراموش می کنند.

اسماعیل خان چنین گفتند که به جز از مسعود تمامی پنجشیری ها بی اعتماد اند و خود خواه هستند و تنها در روز بد دیگران را میشناسند و اینها اشتباهات زیادی نمودند به عنوان مثال از آغاز اداره موقت پست های معاونیت اول ریاست جمهوری، وزارت دفاع، وزارت داخله، وزارت خارجه، ریاست عمومی امنیت ملی، وزارت حج، معاونیت اول وزارت دفاع، لوی سارنوالی، ریاست عمومی اداره امور، ریاست سره میاشت و غیره ادارت دولتی به پنجشیری ها خطای بزرگی به حق دیگر تاجیکها بود و باید تمامی ولایت بخصوص هرات، بلخ، بدخشان، کابل و غیره در نظر گرفته می شدند. که نشدند و بزرگان دیگری مانند جنرال صاحب دوستم و استاد محقق را از ما آزرده ساختند که تا اکنون اثرات منفی آن را می بینیم. گویا انتخاب دو نفر به نمایندگی از تاجیکها از ولایت پنجشیر در کمیسیون مستقل انتخابات باعث نارضایتی اکثریت حاضر در نشست گردیده بود. بیان این چنین سخنان تورن اسماعیل واکنش تند یونس قانونی را در پی داشت و محفل برای چند ساعت به تشنج کشانیده شد تا بلاخره والی بلخ و صلاح الدین ربانی مداخله نموده و اسماعیل را حق به جانب دانستند و گفتند که شما (پنجشیری ها) همه داشته های جهاد و مقاومت را به قمار زدید و حالا همه چیز تمام شده و

شما دیگر نمی توانید به نمایندگی از تاجیکها صحبت کنید و یا کدام تصمیمی بگیرید. و در حکومت آینده همه باید سهم داشته باشند نه آنکه از یک ولسوالی و یا یک ولایت مشخص.

ادامه دارد...